

مجموعه کتاب

شماره ۲

ISBN 978-964-101-452-9

مجموعه کتاب

مجموعه کتاب، رومانی، از روی نسخه آن چاپ شده است (۱۹۰۰)

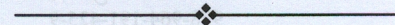
مجموعه کتاب

۲۲۲/۱

مجموعه کتاب

۲۲۲

مجموعه کتاب



بمب، روی خاله مامانی

مجموعه کتاب

مجموعه کتاب، رومانی، از روی نسخه آن چاپ شده است (۱۹۰۰)

مجموعه کتاب

۲۲۲/۱

مجموعه کتاب

۲۲۲

مجموعه کتاب

۲۲۲/۱

مجموعه کتاب

۲۲۲/۱

مجموعه کتاب

۲۲۲/۱

مجموعه کتاب

۲۲۲/۱

رمان

یهودیت کره در برلین از پدر و مادری یهودی متولد شده است. پدرش فردی
گره‌بندهای برجسته و منتهور بود که با نازی‌های آلمان حتی پیش از
این که روی کار بیاید، مخالف بی‌شائبه‌ای بود. او به شدت از آن‌ها انتقاد
می‌کرد، تا بر سر کار آمدن هیتلر. پس از ترک آلمان شد و با خانواده‌اش به

یهودیت کر

ترجمه‌ی

(روانگیز شریفیان)

پس از جنگ جهانی دوم است و داستان بسیار در استقامت آن‌ها در کشوری
ظلم‌ناخته که گرفتار جنگ و آوارگی شده است. نیمه

جلد اول هفتی هیتلر حرکتی عجیبی مرا برده داستان مهاجرت آن‌ها
به سوئیس و سپس فرانسه (۱۹۴۰) ترجمه

جلد سوم کودکی در برلین (۱۹۳۰) ترجمه
یهودیت کر به عنوان نویسنده بی‌شائبه‌ای کودکان شهرتی جهانی
دارد و کتاب‌های بسیار در زمینه‌های مختلف و «بیری» که برای چسبی

همچنان مصوبیت خود را حفظ کرده است. ISBN: 978-964-101-452-9
سال هنوز به چاپ می‌رسند و



انتشارات فروارید

او نود و سه سال دارد و در انتقادات فروارید زندگی می‌کند

مقدمه

«جودیت کر» در برلین از پدر و مادری یهودی متولد شده است. پدرش آلفرد کر نویسنده‌ای برجسته و مشهور بود که با نازی‌های آلمان، حتی پیش از این که روی کار بیایند، مخالف بود و در مقاله‌هایش به شدت از آن‌ها انتقاد می‌کرد. با بر سر کار آمدن هیتلر ناچار به ترک آلمان شد و با خانواده‌اش به سوئیس رفت. آنا در آن زمان نه ساله بود.

«بمب، روی خاله‌ممانی» دومین جلد از سه جلد زندگی‌نامه‌ی اوست که سرگذشت مهاجرت دوباره‌ی این خانواده از فرانسه به انگلستان در دوران جنگ جهانی دوم است، و داستان مبارزه و استقامت آن‌ها در کشوری ناشناخته که گرفتار جنگ نیز بود.

جلد اول «وقتی هیتلر خرگوش صورتی مرا ربود» داستان مهاجرت آن‌ها به سوئیس و سپس فرانسه است.

جلد سوم «کودکی در دوردست» دوران زندگی او بعد از جنگ است. جودیت کر به‌عنوان نویسنده و نقاش کتاب‌های کودکان شهرتی جهانی دارد و کتاب‌های بسیار محبوب «داستان‌های ماغ» و «ببری که برای چای آمد» هم‌اکنون پس از گذشت بیش از چهل سال هنوز به چاپ می‌رسند و همچنان محبوبیت خود را حفظ کرده‌اند.

او نود و سه سال دارد و در جنوب غربی لندن زندگی می‌کند.

دخترهای بار تلو میوها در لندن در اتاقش که در آخرین طبقه‌ی منزل خانم و آقای "بارتولومئو"
بود، ایستاده بود که یک دفعه یادش افتاد پایین دامنش
که شکافته و آویزان شده بود را باید بدوزد. جوراب نویی به پا داشت نه
از آن مشکی‌های ارزان، بلکه کمی گران تر و رنگ پا که در فروشگاه
"مارکس اسپنسر" می شد پیدا کرد. پلوورش را خودش بافته بود و تا
اندازه‌ای به دامنش می آمد، کفش هایش هم قشنگ و اکس خورده، اما مال
یکی از دخترهای بارتولومئوها بود. آینه‌ی کمد را کج کرد تا خودش را
ببیند.

دش می خواست سرووضعش خوب و چشمگیر باشد، اما مثل همیشه
سرخورده شد. انگار به اتاق نمی خورد. معلوم بود به آن جا تعلق ندارد.
اتاق با آن روتختی ابریشمی، کاغذدیواری‌های مرغوب و زیبا و اثاثیه‌ی
گران قیمت، و او یک دختر کم سن و سال در لباسی قهوه‌ای، تروتیمز، اما

1. Bartholomew